

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله المعصومين سيما بقیة الله فی الارضین و لعنة الله علی أعدائهم  
أَجْمَعِينَ

همواره در اندیشه و آرزوی سفر به کربلا در روز اربعین بودم؛ میل و اشتیاق فراوان درونی ام از دیر باز مرا وا می داشت تا عزم این سفر آسمانی داشته باشم و روایات اسلامی نیز با بیان ارزش والای آن وجودم را بی قرار کرده و به هیجان می آورد و توصیف زیبا و شور انگیز آن سفر پر محتوا و انسان ساز توسط زائران میلیونی اربعین تمام قلبم را از ماهها قبل برای رفتن به کربلا و حضور در آن مراسم تسخیر کرده و فرا گرفته بود.

پیش از این توفیق چند بار سفر به عتبات نصیب شده بود ولی تاکنون در ایام اربعین و پیاده رویی تا کربلا بهره ام نشده بود. کشش عجیبی مرا به سمت زیارت حضرت «محبوب» ﷺ فرا می برد.

امام حسن عسکری ﷺ درباره جایگاه ارزشی زیارت اربعین چنین فرموده است:

«عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ حُمْسُ صَلَاةِ الْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّحْتُمُ بِالْيَمِينِ وَ تَعْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِ[بِسْمِ

اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ]»<sup>۱</sup>

«نشانه های انسان با ایمان پنج چیز است: خواندن پنجاه و یک رکعت نماز روزانه، به زیارت حضرت سیدالشهداء رفتن در اربعین، و به دست راست انگشتر داشتن، سجده بر خاک کردن و بسم الله الرحمن الرحيم را در نماز رسا گفتن.»

اساساً یکی از حقوقی که ائمه علیهم السلام بر عهده شیعیان دارند زیارت مرقد مطهر آن ذوات مقدسه ﷺ می باشد. امام رضا ﷺ در این باره فرموده است:

«إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَاءِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ؛ فَمَنْ زَارَهُمْ

رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَ تَصَدِيقًا بِمَا رَغِبُوا فِيهِ كَانَ أُمَّتُهُمْ شُفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»<sup>۲</sup>

«هر امامی عهد و پیمانی بر دوستان و شیعیانش دارد. زیارت قبور آنان از جمله وفای کامل به آن عهد و پیمان است. پس هرکس آنان را با میل و اشتیاق و ایمان به راهشان زیارت کند، ائمه علیهم السلام نیز آنان را در روز قیامت شفاعت خواهند کرد.»

زیارت حضرت «ثارالله» ﷺ یک هجرت آسمانی و یک عروج عرشی است.

۱. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۱۰۶.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۵۶۷؛ المحجة البيضاء ج ۴، ص ۴۵.

امام رضا علیه السلام :

« مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام بِشَطِّ الْفُرَاتِ كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ <sup>۱</sup> »

« هر که مرقد حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام را در کنار شط فرات زیارت کند مانند کسی است که خداوند را در عرش زیارت نموده است. »

نام زیبای «حسین» نام جوهره جمیع فضائل انبیاء و اولیاست؛ نامی مقدس و آسمانی است.

« هزار مرتبه شویم دهان به مشک و گلاب  
هنوز نام تو بردن کمال بی ادبی است. »

زیارت حضرت «سفینة النجاة» علیه السلام دارای ویژگی‌های ممتازی است که به اندکی از آن اشاره می‌شود:

### ۱. زیارتی بایسته

یکی از زیارت‌هایی که در متون فاخر اسلامی بر انجام آن تأکید گردیده و لازم شمرده شده است زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام است.

امام صادق علیه السلام :

« لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ حَجَّ دَهْرَهُ ثُمَّ لَمْ يَزُرِ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ علیه السلام لَكَانَ تَارِكًا حَقًّا مِنْ حُقُوقِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِأَنَّ حَقَّ الْحُسَيْنِ فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ واجبة على كل مسلم <sup>۲</sup> »

« اگر شخصی تمام سال‌های زندگی‌اش حج رود ولی به زیارت حسین بن علی علیه السلام نرود او حقی از حقوق پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را به جای نیاورده است؛ زیرا زیارت امام حسین علیه السلام حق وی بوده و فریضه‌ای الهی است و بر تمامی مسلمانان لازم می‌باشد. »

امام صادق علیه السلام درباره مقدار زیارت آن حضرت علیه السلام فرموده است شایسته است که مؤمنان هر سال به زیارت آن حضرت علیه السلام روند:

« اِتُّوا قَبْرَ الْحُسَيْنِ فِي كُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً <sup>۳</sup> »

« شایسته است که هر سال حداقل یکبار به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام بروید. »

۱. کامل الزیارات، ص ۱۴۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳؛ کامل الزیارات، ص ۱۲۲.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۱۳.

و همچنین آن حضرت علیه السلام توصیه می نماید که سفر به کربلا و زیارت آن حضرت بیش از چهار سال تأخیر نشود:

« إِنَّهُ يُصَلِّي عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلِكٍ مِنْ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى أَنْ تَغِيبَ الشَّمْسُ ثُمَّ يَصْعَدُونَ وَ يَنْزِلُ مِثْلَهُمْ فَيَصَلُّونَ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ فَلَا يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَتَخَلَّفَ عَنْ زِيَارَةِ قَبْرِهِ أَكْثَرَ مِنْ أَرْبَعِ سَنِينَ. <sup>۱</sup> »

«همانا نزد مرقد حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام چهار هزار فرشته از طلوع فجر تا غروب خورشید نماز می گذارند و دعا می خوانند سپس به آسمان می روند آنگاه به تعداد آنان گروه دیگری از فرشتگان از آسمان فرود می آیند و از غروب خورشید تا طلوع فجر نماز می گذارند و دعا می خوانند؛ پس سزاوار نیست که مسلمانی بیشتر از چهار سال به زیارت مرقد وی نرود.»

## ۲. همراه با فرشتگان زائر

یکی از جمعیت هایی که از زوار امام حسین علیه السلام می باشند فرشتگان هستند. قابل توجه است همه آن شخصیت های آسمانی آرزوی زیارت آن امام محبوب را دارند.

امام صادق علیه السلام :

« لَيْسَ مِنْ مَلِكٍ فِي السَّمَوَاتِ إِلَّا وَهُمْ يَسْأَلُونَ اللَّهَ جَلَّ وَعَلَا أَنْ يَأْذَنَ لَهُمْ فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَفَوْجٌ يَنْزِلُ وَ فَوْجٌ يَعْرُجُ <sup>۲</sup> »

«هیچ فرشته ای در آسمان ها یافت نمی شود مگر اینکه از خداوند بزرگ تقاضا می کنند که اجازه دهد که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام آید، پس گروهی برای زیارتش [از آسمان] فرود می آیند و گروهی پس از زیارت وی [به آسمان] فرا می روند.»

شایان ذکر است که در میان آن فرشتگان، چهار هزار فرشته عالی مقام همواره در کنار ضریح مرقد آن حضرت از زمان شهادت آن امام علیه السلام تا ظهور حضرت حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف حضور دارند. آنان بسی اندوهگین و عزادارند و شعارشان خون خواهی آن حضرت علیه السلام است.

۱. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۱۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۶۲.

امام رضا علیه السلام :

«لَقَدْ نَزَلَ إِلَى الْأَرْضِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَرْبَعَةٌ أَلْفٌ لِنَصْرِهِ فَوَجَدُوهُ قَدْ قُتِلَ فَهُمْ عِنْدَ قَبْرِهِ شُعْثٌ غُبْرٌ إِلَى أَنْ تَقُومَ الْقَائِمُ فَيَكُونُونَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَشَعَارُهُمْ يَا أَهْلَ ثَارَاتِ الْحُسَيْنِ»<sup>۱</sup>

«بی گمان چهار هزار فرشته از آسمان در روز عاشورا به سوی زمین فرود آمدند تا ابا عبدالله الحسین را یاری کنند ولی آن حضرت به شهادت رسیده بود. آنان نزد مرقدش باحالی سراسر اندوه و قامتی غبارآلود تا ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

الشریف قرار دارند که در زمان ظهور از یوران وی می باشند و شعارشان ای اهل خونخواهی حسین است.»

قابل توجه است که وجود مبارک آن فرشتگان دارای آثار بسیار گرانبقدر برای زوار می باشد.

امام صادق علیه السلام :

«إِنَّ اللَّهَ وَكَلَّ بِالْحُسَيْنِ مَلَكَ فِي أَرْبَعَةِ أَلْفٍ مَلِكٌ يَبْكُونَهُ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِرُؤُوسِهِ وَيَدْعُونَ اللَّهَ لَهُمْ»<sup>۲</sup>

«همانا خداوند چهار هزار فرشته در آستان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام قرار داده است که مدام اشک می ریزند و برای زوار آن حضرت طلب بخشش می کنند و برای هدایت، حمایت و اجابت دعای آنان خداوند را می خوانند.»

امام باقر علیه السلام :

«أَرْبَعَةٌ أَلْفٌ مَلِكٌ شُعْثٌ غُبْرٌ يَبْكُونَ الْحُسَيْنَ علیه السلام إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا يَأْتِيهِ أَحَدٌ إِلَّا اسْتَقْبَلُوهُ وَلَا يَرْجِعُ أَحَدٌ إِلَّا شَيْعُوهُ وَلَا يَمْرُضُ أَحَدٌ إِلَّا عَادُوهُ وَلَا يَمُوتُ أَحَدٌ إِلَّا شَهِدُوهُ.»<sup>۳</sup>

«چهار هزار فرشته اندوهگین و غبارآلود تا روز قیامت در سوگ حسین علیه السلام اشک می ریزند. هیچ کس به زیارتش نمی آید مگر اینکه آن فرشتگان به استقبال وی می شتابند و به گاه بازگشت بدرقه اش می کنند و هرگاه مریض شود عیادتش می نمایند و آنگاه که وفات یابد به نزدش حاضر می شوند و به وی احترام می گذارند.»

### ۳. همگام با انبیاء علیهم السلام :

تمامی پیامبران گرامی خداوند مشتاق زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام می باشد؛ بدین منظور به اذن خداوند گروه گروه به زیارت آن بارگاه نور می شتابند.

۱. روضة المتقين، ج ۵، ص ۳۸۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۵۷؛ کامل الزیارات، ص ۸۶.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۵۵؛ کامل الزیارات، ص ۸۵.

امام صادق علیه السلام :

«لَيْسَ نَبِيٌّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا وَيَسْأَلُونَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يُأْذَنَ لَهُمْ فِي زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَفَوْجٌ يَنْزِلُ وَفَوْجٌ يَعْرُجُ»<sup>۱</sup>

«هیچ پیامبری در آسمانها و زمین نیست مگر اینکه از خداوند بزرگ می‌خواهد که به وی اجازه دهد که به زیارت امام حسین علیه السلام رود؛ پس از گروهی از آنان برای زیارتش فرود می‌آیند و گروهی از ایشان از زیارتش به آسمان باز می‌گردند.»

۴. همدم با حضرت زهرا علیها السلام :

حضرت زهرا علیها السلام مادر آن امام خوبیه‌ها در کنار زائرینش حضور می‌یابد و برای ایشان استغفار می‌کند:

امام صادق علیه السلام :

«إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم تَحْضُرُ زُورَ قَبْرِ ابْنِهَا الْحُسَيْنِ علیه السلام فَتَسْتَغْفِرُ لَهُمْ.»<sup>۲</sup>

«همانا حضرت فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نزد زائران قبر فرزندش حسین علیه السلام حاضر می‌شود و برای آنان استغفار می‌کند.»

۵. بخشش گناهان

یکی از آثار گرانبه‌تر زیارت امام حسین علیه السلام بخشش گناهان زائر است.

امام صادق علیه السلام :

«يَا هَارُونَ، مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام زَائِرًا لَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ يُرِيدُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ ثُمَّ قَالَ لِي ثَلَاثًا أَلَمْ أَحْلِفْ لَكَ أَلَمْ أَحْلِفْ لَكَ أَلَمْ أَحْلِفْ لَكَ.»<sup>۳</sup>

«ای هارون، هر که به زیارت آستان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام رود و آگاه به جایگاه و حق وی باشد و برای رضایت خدا و حسن آخرت چنین کند خداوند تمامی گناهان دور و نزدیک وی را می‌بخشد. سپس فرمود: مگر برای تو قسم نخوردم، مگر برای تو قسم نخوردم، مگر برای تو قسم نخوردم.»

۱. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۵۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۵۵؛ کامل الزیارات ص ۱۲۱.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۱۹.

۴. مراد از «هارون» یکی از صحابی امام جعفر صادق علیه السلام به نام «هارون بن خارجه» است.

## ۶. کرامات الهی در قیامت و آرزوی زیارت حسین علیه السلام

یکی دیگر از آثار بسیار ارزشمند زیارت امام حسین علیه السلام عنایات ویژه خداوند به زوار آن امام علیه السلام و اعطای کرامات الهی به ایشان در روز قیامت است به طوری که تمامی مردم در آن روز آرزو می‌کنند که کاش در زمره آنان بودند و به زیارت بارگاه آسمانی امام حسین علیه السلام توفیق می‌یافتند.

امام صادق علیه السلام :

« مَا مِنْ أَحَدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا وَهُوَ يَتَمَنَّى أَنَّهُ مِنْ زُورِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ لِمَا يَرَىٰ مِمَّا يُصْنَعُ بِزُورِ الْحُسَيْنِ مِنْ

كِرَامَتِهِمْ عَلَى اللَّهِ »<sup>۱</sup>

«هیچ کس در روز قیامت یافت نمی‌شود مگر اینکه آرزو می‌کند که کاش در دنیا به زیارت امام حسین علیه السلام رفته بود؛ زیرا می‌بیند که خداوند چه عنایات و کراماتی به زوار آن امام علیه السلام می‌کند.»

از موارد کرامت الهی به زوار امام علیه السلام مصاحبت و مجاورت با پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در قیامت و بهشت برین است.

امام صادق علیه السلام :

« مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ فِي جِوَارِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ جِوَارِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ فَلَا يَدْعُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام وَ الرَّحْمَةَ. »<sup>۲</sup>

«هر که اراده کرده است که در بهشت در جوار پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و همنشین امیرمؤمنان و حضرت زهرا علیها السلام باشد نباید زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام را ترک کند.»

## ۷. بهشتی شدن

«آخرت» نهایت و سرانجام حیات انسان است که یا به عذاب جاودانه در جهنم می‌انجامد و یا به نعمت‌های مانا در بهشت خاتمه می‌یابد. زیارت امام مظلومان علیهم السلام یکی از عوامل فرجام نیک انسان در سرانجام سرای قیامت است.

۱. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۷۲.

۲. کامل الزیارات، ص ۱۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۶۶.

امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام :

« مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ مَسْكَنُهُ فِي الْجَنَّةِ وَ مَأْوَاهُ الْجَنَّةَ فَلَا يَدْعُ زِيَارَةَ الْمَظْلُومِ. »

قُلْتُ: مَنْ هُوَ؟

قَالَ علیه السلام:

« الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ صَاحِبُ كَرْبَلَاءَ. مَنْ أَنَاهُ شَوْقًا إِلَيْهِ وَ حُبَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ حُبَّ فَاطِمَةَ وَ حُبَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَقْعَدُهُ عَلَى مَوَائِدِ الْجَنَّةِ يَأْكُلُ مَعَهُمْ وَ النَّاسُ فِي الْحِسَابِ. »<sup>۱</sup>

« هر که دوست دارد که جایگاه و منزل گاهش بهشت باشد زیارت مظلوم را ترک نکند. »

گفتم: او کیست؟

امام علیه السلام فرمود:

« او حسین بن علی است که در کربلا جای دارد. هر کس او را از سر شوق و عشق به وی و محبت پیامبر گرامی اسلام و حضرت فاطمه و امیرمؤمنان علیه السلام زیارت کند خداوند او را بر سفره نعمتهای بهشت می‌نشانند و با آن حضرات علیهم السلام از رزق و روزی‌های بهشتی می‌خورد در حالی که دیگر مردمان سرگرم حساب پس دادن می‌باشند. »

## ۸. شفاعت

«شفاعت» به معنای «واسطه شدن برای نجات و حمایت از دیگری» می‌باشد. مهمترین مرحله تجلی شفاعت در قیامت بوده که به «شفاعت کبری» مشهور است. در آن سرانجام سرای جاودانه قیامت انسان گرفتار و در شرف عذاب جهنم به واسطه شفاعت شخصیتی عالی مقام و ارجمند نزد خداوند بخشیده می‌شود و نجات می‌یابد. برخی از برجستگان و مقربان خداوند مانند پیامبران و حجت‌های الهی علاوه بر اینکه خود اهل بهشت می‌باشند دارای مقام شفاعت نیز هستند. زوار حضرت «ثارالله» علیه السلام نیز چنین است. زیارت آن امام علیه السلام موجب شفاعت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام از زائر خود و همچنین دارا شدن مقام شفاعت برای وی است.

۱. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۶۶. شایان ذکر است که راوی این حدیث «ابوبصیر اسدی» یکی از صحابی امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام

بوده و این کلام از امام باقر علیه السلام و یا امام صادق علیه السلام نقل نموده است.

امام صادق علیه السلام :

« زَائِرُ الْحُسَيْنِ علیه السلام مُشَفَّعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِمِائَةِ رَجُلٍ كُلُّهُمْ وَجَبَتْ لَهُمُ النَّارُ يَمِّنُ كَانَ فِي الدُّنْيَا مِنَ الْمُسْرِفِينَ <sup>۱</sup> »

« زائر آستان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در روز قیامت شفاعتش درباره صد نفر که کيفر همگی آنان آتش جهنم و عذاب است و در دنیا اهل گناه بوده‌اند پذیرفته می‌شود. »

طریق نجات انسان در شرایط سخت و نگران کننده آخرت «حسینی بودن» در دنیا و «شفاعت حسینی» در آخرت است:

« هزار عذر بگویم گر آورند به حشرم سیاه‌نامه به دستی و دست دوست به دستی »

جهان آخرت، عالم تشویش و نگرانی از عاقبت و سرانجام جاودانه است و شفاعت عامل رفع نگرانی و نجات آفرین است.

« قیامت که به دیوان حشر پیش آرند میان آن همه تشویق در تو می‌نگرم »

## ۹. برآورده شدن حاجات

انسان حاجت‌کنده بزرگی است که فراتر از دنیایش حاجت دارد.

یکی از آثار زیارت امام حسین علیه السلام برآورده شدن حاجات و رفع گرفتاری و چالش‌های مادی و معنوی انسان است.

امام صادق علیه السلام :

« مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ إِمَامٌ مُفْتَرٍ صُ الطَّاعَةِ عَلَى الْعِبَادِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا

تَأَخَّرَ وَ قَبِلَ شَفَاعَتَهُ فِي سَبْعِينَ مُدْنِيًا وَ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ عِنْدَ قَبْرِهِ حَاجَةً إِلَّا قَضَاهَا لَهُ <sup>۲</sup> »

« هر که بارگاه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام زیارت کند و بداند و ایمن داشته باشد که وی امامی است که باید همه بندگان خدا از وی اطاعت کنند خداوند تمامی گناهان دور و نزدیک وی را می‌بخشد و شفاعتش را در مورد هفتاد گنهکار می‌پذیرد و هر حاجتی که از خداوند بزرگ نزد ضریح مطهرش بخواهد برآورده می‌کند. »

۱. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۷۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۳.



## ۱۰. هم کلامی با خداوند

زیارت بارگاه عرشی آن امام آسمانی دیدار با شخصیتی است که در اوج معراج کمال می‌باشد و با شهادت و امامت به مقام عالی «عند ربهم یرزقون» نایل آمده و در فضایی سراسر نور در محضر خداوند است؛ بنابراین زیارت وی زیارت عرشیان و سخن گفتن با آسمانیان و خداوند رحمان می‌باشد.

امام رضا علیه السلام :

« مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ علیه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ كَانَ مِنْ مُحَدِّثِي اللَّهِ عز وجل »  
« إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهْرٍ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ عز وجل »<sup>۱</sup>

«هرکه زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام رود و آگاه به عظمت و جودی وی باشد و حق امامت او را بشناسد و به آن ایمان و معرفت داشته باشد گویا زائر خداوند بوده و با ذات اقدس الهی سخن گفته است؛ زیرا خداوند در قرآن فرموده است:

«همانا اهل تقوا در بوستان ها و در کنار نه‌های بهشتند و در جایگاه راستین نزد خداوند مقتدر می‌باشند.»<sup>۲</sup>

چنان که آن حضرت علیه السلام در روایت دیگری نیز به این موضوع تصریح داشته است:

« مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ علیه السلام بِشَطِّ فُرَاتٍ كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ عز وجل »<sup>۲</sup>

«هرکه بارگاه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام که در کنار شط فرات است زیارت کند همانند کسی است که خداوند را بر فراز عرشش زیارت کرده است.»

ولی صمیمانه و صادقانه می‌گوییم که آن ثواب‌ها و آثار ارزشمند زیارت آن امام خوبی‌ها در نظرم اصالت نداشت بلکه آنچه مرا وا می‌داشت که بی‌صبرانه مشتاق زیارتش گردم «ایمان» و «عشق» و «مودت ریشه‌داری» بود که تمام وجودم را فراگرفته و مرا بر بال آسمانی خود نشانده و «در طریق الحسین» به پرواز درآورده بود.

«گر مخیر بکنندم به قیامت که چه خواهی

دوست ما را همه عالم فردوس شما را»

«سایه طوبی و دلجویی حور و لب حوض

به هوای سرکوی تو برفت از یادم»

بی‌تردید این «جاذبه عرشی حسین» است که قلوب میلیون‌ها انسان را در طول تاریخ به خود پیوند داده و حماسه «عشق آسمانی حسینی» را آفریده است.

۱. کامل‌الزیارات، ص ۱۴۱؛ بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۷۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۷۰.

«تا که از جانب معشوق نباشد کششی      کوشش عاشق بیچاره به جایی نرسد»

پیش از آنکه محبت محبّ عامل حرکت به سوی زیارت محبوب باشد عنایت و کشش جناب محبوب است که چنین غوغایی به پا می‌کند. همه می‌گویند «مجنون» چقدر هنر در آفرینش عشق به «لیلی» داراست ولی این هنرمندی «لیلی» است که «مجنون» را این چنین کرده است.

«تو مپندار که مجنون سر خود مجنون گشت      از سمک تا به سماءش کشش لیلی برد

من به سرم پنجه خورشید نه خود بردم را      ذره‌ای بودم و مهر تو مرا بالا برد»

این محبوب است که «محبّ» را معماری شخصیتی می‌کند و او را در طریق خود سیر می‌دهد و در سلوک مسلک صعود به وصل خود کوشا و ثابت قدم می‌دارد. «حبّ الحسین» صراط محبوبیت انسان نزد خداست.

«أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا»<sup>۱</sup>

«هر که محبوبش حسین باشد محبوب خداست.»

«محبت به حسین (علیه السلام)» انسان ساز بوده و محبّ را در تراز انسان الهی قرار می‌دهد و دارای شخصیتی حسینی می‌کند؛ زیرا محبّ ذوب در زیبایی‌های محبوب است و چنان با خود می‌کند که در معیار پسند محبوب قرار گیرد. «حبه الحسین» طریقی در تحقق «توحید در محبت الهی» است؛ چرا که محبت به محبوب خدا محبت به خداست.

«این محبت از محبت‌ها سواست      حبّ محبوب خدا حبّ خداست»

به همین جهت بزرگان اهل عرفان گفته‌اند یکی از آداب سلوک عرفانی «حبّ الحسین» است و بدون «حبّ الحسین» نمی‌توان در سلوک عرفانی به مراتبی دست یافت.

باید توجه داشت که «صداقت در محبت» شرط اساسی توجه محبوب به محبّ و دستیابی به آثار و برکات آن است. نشان این صداقت چند ویژگی است:

۱. شناخت کامل ذات و صفات و ارزش محبوب

۲. تمام خوبی‌ها و زیبایی‌ها را در وجود وی یافتن

۳. پیراسته دانستن وی از جمیع بدی‌ها

۱. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۱۷۵؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۲۴؛ أنوار الهدی، ج ۵، ص ۱۷۵.

۴. تلاش در معماری شخصیت خود مطابق پسند و رضایت محبوب

۵. ذوب شدن و اطاعت از خواسته‌ها و فرامین محبوب

۶. حفاظت و صیانت از حریم محبوب

۷. مقابله با دشمنان و مرارده با دوستان وی

و این قاعده‌ای انسانی است که همواره «محبّ» ذوب و مطیع «محبوب» است.

«لَوْ كَانَ حُبُّكَ صَادِقًا لَأَطَعْتَهُ      إِنَّ الْمُحِبَّ لِمَنْ يُحِبُّ مُطِيعٌ»<sup>۱</sup>

«اگر دوستی تو صادقانه بود حتماً محبوت را اطاعت می کردی      زیرا بی تردید محبّ مطیع محبوب می باشد.»

و محبّ آن می خواهد که محبوب بخواند.

«من از درمان و درد و وصل و هجران      پسندم آنچه آن جانان پسندد»

شایان توجه است که تمامی آن مشوّقات سفر به کربلا و زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و مقوله «حبّ الحسین علیه السلام» برای تربیت انسان بر اساس اعتقادات ایمانی و رفتار تقوایی و اخلاق فردی و اجتماعی اسلامی و بصیرت و مقاومت حسینی است؛ بنابراین مهمترین نکته در این سفر الهی این است که «حسینی برویم» و «حسینی بشویم» و «حسینی بهانیم» و «حسینی بمیریم» تا «حسینی محسوب شویم» و «حسینی در قیامت محشور گردیم».

بنابراین زیارت حضرت ثارالله علیه السلام مدرسه آسمانی «انسان الهی شدن» است.

به همین جهت زائرانی که با معرفت و به عشق و محبت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام به زیارتش می شتابند از «عبادالرحمان» می گردند و زیر بیرق مکتب حسین علیه السلام خواهند بود.

۱. تحف العقول، ص ۳۰۳؛ أنوار الهدی، ج ۷، ص ۴۱.

امام صادق علیه السلام :

« مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ شَوْقًا إِلَيْهِ كَانَ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ الْمُكْرَمِينَ وَكَانَ نَحْتِ لَوَاءِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام حَتَّى

يُدْخِلُهُمَا اللَّهُ جَمِيعًا الْجَنَّةَ »<sup>۱</sup>

«هر که از سر شوق و عشق به حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام به زیارتش رود او از بندگان بزرگوار خداوند بوده و زیر پرچم ولایت و حمایت وی قرار می‌گیرد تا اینکه خداوند آن دو را با هم به بهشت درآورد.»

تجلی عالی آن زیارت عرشی و عارفانه در قیامت تحقق می‌یابد و توسط فرشتگان آن زائران را در آن فضای سرنوشت‌ساز به عنوان «زوار الحسین» معرفی می‌شوند و این عنوانی نجات‌بخش و تنعم‌آفرین است به طوری که همگان آرزوی آن خواهند داشت.

امام صادق علیه السلام :

« يُنَادِي مُنَادٍ هَذَا مِنْ زَوَّارِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ شَوْقًا إِلَيْهِ فَلَا يَبْقَى أَحَدٌ فِي الْقِيَامَةِ إِلَّا تَمَنَّى يَوْمَئِذٍ أَنَّهُ كَانَ مِنْ زَوَّارِ

الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ »<sup>۲</sup>

«در روز قیامت فرشته‌ای ندا می‌دهد اینان از زوار بارگاه حسین بن علی هستند که از سر محبت به وی به زیارت او شتافته بودند.»

در این هنگام هیچکس در قیامت نیست مگر اینکه آرزو می‌کند که کاش از زوار حسین بن علی علیه السلام می‌بود.»

بنابراین زیارت حضرت «ثارالله» علیه السلام یک سفر آسمانی با ابعاد بالای تربیتی، ارزشی دنیوی و فرا دنیایی می‌باشد.

بی‌تردید این زیارت سعادت‌ی است که از جانب خداوند متعال تقدیر گردیده و از طرف حضرت «محبوب» علیه السلام

دعوت و توفیق نصیب یار شده و آن برق آسمانی جذبه‌حسینی است که محب را به حرکت در آورده است.

«برقی از منزل لیلی بدرخشید سحر      وه که با خرمن مجنون دل افکار چه کرد»

۱. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۱۸.

۲. کامل الزیارات، ص ۱۴۳.

## تاریخ زیارت اربعین

زیارت حضرت «محبوب» علیه السلام عموماً و زیارت آن امام زیبایی‌ها در اربعین خصوصاً دارای تاریخی بسیار پر فراز و نشیب است. اولین زائر اربعین مرقد مطهر وی «جابر بن عبدالله انصاری» صحابی گرانقدر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله همراه با «عطیة بن سعد عوفی» می‌باشد هرچند اولین زائر در سوگ نشسته وی حضرت امّ المصائب «زینب کبری» علیها السلام در روز عاشورا است.

در زمان حاکمیت بنی امیه زیارت آن امام مظلوم علیه السلام ممنوع و به شدت با زائران آستان حسینی برخورد می‌شد. در اوائل دوره زمامداری عباسیان که با شعار احیای نظام اسلامی بر اساس احیای حکومت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله پای به عرصه حکومتداری گذاشته بودند زیارت آن حضرت علیه السلام مقدور و فضای مناسبی یافت، ولی با تثبیت قدرت عباسیان راه زیارت آن امام آسمانی علیه السلام با شدت بیشتری و شقاوت افزونی مسدود شد و حتی چند بار توسط «متوکل» به کربلا و بارگاه عرشی حسینی حمله شد و آسیب‌های فراوانی به کربلا و حرم مطهر وارد آمد و تا پایان حکومت منحط عباسیان این ممانعت وجود داشت. با زوال حکومت عباسیان و جایگزینی حکومت عثمانی طریق زیارت شرایط بهتری یافت. با تجزیه حکومت عثمانی و استقلال عراق و حاکمیت مزدوران انگلیسی سپس به حکومت رسیدن حزب بعث به ویژه در اواخر دوران تسلط آنان بر عراق، زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام سخت و شدت و عداوت و افزونی یافت و زیارت اربعین به جهت محتوا و مفهوم والای انقلابی، ظلم ستیزی و مودت و محبت به اهل بیت علیهم السلام به ویژه مکتب حضرت «ثارالله» علیه السلام کاملاً دچار ممنوعیت حکومتی گردید.

اما خداوند چنان مقدر فرموده بود که راه حسین علیه السلام که همان راه خداست پایدار باشد و آن مصباح هدایت و کشتی نجات بشریت جاودانه ماند و دلدادگان مکتب اهل بیت علیهم السلام به اشکال مختلف و طرق گوناگون مراسم اربعین و زیارت آن امام عرشی علیه السلام را زنده نگه دارند. با سقوط رژیم بعث و فرهنگ سازی نظام جمهوری اسلامی ایران زیارت اربعین و پیاده رویی حماسی آن رواجی شکوهمند یافت به طوری که هم اینک میلیونها دلداده آن حضرت از تمامی نقاط جهان در آن شرکت می‌کنند و هزاران نفر در موکب‌های گوناگون بساط خدمتگزاری به زوار آن حضرت گسترانده‌اند و «حبّ الحسین» علیه السلام همه را به گرد هم جمع آورده است.

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾<sup>۱</sup>

«آنان اراده کرده‌اند که نور خدا را با دهانهایشان خاموش کنند ولی خداوند نور خود را نگه و کامل می‌کند هر چند کافران خوش نداشته باشند.»

## ویژگی‌های زیارت اربعین

زیارت حضرات معصومین عليهم السلام به ویژه زیارت حضرت سیدالشهداء عليه السلام جایگاه ارزشی و تربیتی خاصی دارد و میان زیارات عامه و خاصه آن حضرت عليه السلام زیارت اربعین برجستگی و اهمیت چشم‌گیری دارد که آن را ممتاز گردانیده است و هر سال با شکوه و جلال افزونی برگزار می‌شود. هم‌اینک زیارت و پیاده روی اربعین بزرگترین اجتماع دینی و انسانی است که دارای آثار تربیتی و ارزشی و پیام‌های خاص فرهنگی و سیاسی می‌باشد.

می‌توان برخی از ویژگی‌ها و آثار زیارت اربعین به این شرح بیان نمود:

۱. ادای حقی از حقوق پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت عليهم السلام

۲. نشان از ایمان داشتن زائر

۳. هم‌گامی با فرشتگان

۴. همراهی با انبیاء و پیامبران

۵. همدلی و شمول دعای حضرت فاطمه زهراء عليها السلام

۶. بخشش گناهان

۷. دارا شدن مقام شفاعت در آخرت

۸. کسب بهشت و همجواری با معصومان عليهم السلام در قیامت

۹. دستیابی به کرامات و عنایات ویژه الهی در آخرت

۱۰. هم‌کلامی با خداوند

۱۱. برآورده شدن حاجات

۱۲. مهیا سازی جهانی ظهور حضرت موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. سوره صف (۶۱)، آیه: ۸.

۱۳. ماناسازی نام و راه حضرت اباعبدالله الحسین (ع)
۱۴. تعمیق معرفت و محبت به آن حضرت (ع)
۱۵. اظهار بیانی و عملی محبت و موَدّت به حضرت «ثارالله» (ع)
۱۶. بستر سازی جهانی تحقّق تمدّن اسلامی بر اساس آموزه‌های حسینی
۱۷. حضور آیینی در اجتماع حرکت زای حسینی
۱۸. زمینه سازی آشنایی عمیق با فرهنگ و مکتب حسینی
۱۹. ایجاد فضای ارتباط جهانی حسینی در حرکتی هدفمند
۲۰. انکار همه‌جانبه و محکوم نمودن جنایات تاریخی مخالفان مکتب حسینی
۲۱. جاودان کردن پیام حسینی و مبارزه با ظلم و ستم در تمامی ابعاد
۲۲. هم‌پیمانی و همراهی با حسینیان راه حسین (ع) و شهدای نهضت عاشورا
۲۳. انعکاس جهانی راهبرد «تنها راه نجات جهان راه حسین (ع)» است.
۲۴. مقابله عملی با تمامی سردمداران تاریخی خواهان ترک زیارت حضرت «ثارالله» (ع) و آثار تربیتی آن
۲۵. مبارزه معنوی و نرم با پروژه اسلام تقلبی و وهابیت
۲۶. حمایت عملی از مبارزات اسلامی و ظلم ستیزانه در جهان
۲۷. ایجاد ارتباط بین نسلی در عرصه مکتب حسین (ع)
۲۸. بستر سازی آیینی و فرهنگی در عرصه خدمات متقابل زائران و محیط میزبانی
۲۹. نمایش عظیم اقتدار اسلامی در قبال کفر و شرک جهانی و نفاق و انحراف در سرزمین‌های اسلامی
۳۰. خنثی سازی تمامی توطئه‌های فرهنگی و سیاسی غرب به سرکردگی آمریکا و صهیونیسم بین الملل
۳۱. ایجاد وحدت اسلامی و دینی و آزادی خواهان و ظلم ستیزان در جهان به نام راه حسین (ع)
۳۲. زنده نگه داشتن نام و یاد مکتب حسین (ع) و شخصیت‌های ممتاز نهضت عاشورا
۳۳. دارا شدن آثار تربیتی زیارت اربعین و سفر دینی
۳۴. اخلاق محوری در فضای زندگی حسینی
۳۵. زمینه سازی تحقّق اقتصاد حسینی

۳۶. فضا سازی برای تولید محصولات فرهنگی حسینی

۳۷. تحقیق سلوک عبور از خود و به امام پیوستن به رنگ حسین علیه السلام

۳۸. گسترش هنر آیینی در نه‌ای مکتب حسینی علیه السلام

۳۹. کشف توفیق و دعوت زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام

۴۰. قرائت زیارت اربعین و کسب آثار معرفتی و تربیتی و پاداشی

آثار و برکات این سفر آسمانی چنان ممتاز است که از همان آغاز اولین اربعین حسینی تاکنون همواره پر شورتر و با شعورتر برگزار می‌شود. عشق و دلدادگی به حضرت «زینة العرش» علیه السلام مایه احیای حیات الهی و شور آفرین محبّ دلداده‌اش می‌گردد به طوری که محبّ همواره خواهان بقا و تعمیق آن دلدادگی است:

« به هر جا هست بیمار از خدا خواهد شفای خود مریض عشق تو هرگز نیارد نام بهبودی»

قلب محبّ با تپش قلوب محبوب می‌تپد و جان او به جان محبوب پیوسته است.

«قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّىٰ يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ»<sup>۱</sup>

«قلبم با قلب شما پیوند خورده و زندگی‌ام در گرو فرمان شماست و تمام وجودم برای یاری‌تان آماده است تا زمانی خداوند به شما اجازه ظهور دهد، پس آن‌که با شماست همواره همراه شماست.»

عشق به حسین علیه السلام هم درد است و هم درمان، و هم وصل است و هم هجران؛ و بیمارش خواهان دوام بی پایان و جاودان آن.

«چون تو مسیحا دم اگر تیار رنجوری کند رنجور از حق آرزو هر روز بیماری کند.»

---

۱. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۲۹.



## حرکت به سوی کربلا

صبح روز پنج‌شنبه با آغاز طلوع زیبای خورشید در حالی که گویا از دوردست درود و سلام بر آستان مقدس امیرمؤمنان (ع) می‌فرستاد وداع نامه سفر حضرت امیر مهربانی‌ها قرائت کردیم و شوق زیارت سالار شهیدان غم فراق آن حضرت را اندکی جبران می‌نمود و از اندوهش می‌کاست.

انبوهی از وسائل نقلیه مختلف در ایستگاهی در کنار مقام حضرت زین العابدین (ع) وجود داشت که مقصد همه آنها کربلا بود.

مینی‌بوس حامل ما در میان ازدحام وسائل نقلیه و هرج و مرج حرکتی به کندی راه خود را به بیرون از نجف اشرف می‌پیمود.

سرانجام بعد از ساعت‌ها به میدان خروجی شهر نجف رسیدیم و حرکت آرام آرام روان گردید.

اولین عمود پیاده‌رویی که عددی بر آن نقش بسته بود هویدا شد. جمعیت بسیاری با پرچم‌هایی که نماد حسینی بر آن نقش بسته بود در امتداد هم به سوی کربلا در حرکت بودند و عمودها را یکی پس از دیگری پشت سر می‌گذاشتند. شور شوق و نشاط عجیبی در چهره‌ها و گام‌های پرشتاب آنان مشاهده می‌شد. پیاده‌رویی اربعین «علوی المبدء و حسینی المقصد» است و این خود پیام معرفتی عمیقی دارد.

زوّار در این پیاده‌روی تاریخی و حماسه عشق به امامت همگی همراه، هم‌دل، هم‌هدف این مسیر طولانی را با شیرینی خاصی طی می‌نمودند و توحید والایی را می‌آفریند.

عَلَم‌هایی به رنگ‌های متنوع که بر آنها شعارهای حسینی به زبان‌های مختلف نگاشته شده بود در دست‌ان عاشقان «حضرت ثارالله» جلوه‌گری می‌کرد و نسیمی که از سمت کربلا می‌وزید آن شعارها را به نهایش در می‌آورد. ترکیب جمعیتی در آن پیاده‌رویی دارای تنوع فراوان جنسیتی، سن، ملیت و رنگ و زبان بود. «حُبّ الحسین» همه آنان را به گرد هم در یک مسیر قرار داده بود و شعار «حُبُّ الْحُسَيْنِ يَجْمَعُنَا» در همه جا تجلی می‌یافت.

ما راه جاده نجف به کربلا را که مشهور به «طریق حیدریه» است انتخاب کرده بودیم و در مسیر پیوستن به دریای عشق حسینی و پیاده‌رویی اربعین قرار داشتیم.

شوق پیاده‌رویی مرا و او می‌داشت که به همراهانم تقاضای توقف کنم تا آن مقدار که می‌توانم پیاده حرکت کنیم و در میان دلدادگان حسینی حضور پیدا کرده و با آنان همقدم شویم.

« در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم سرزنش ها گر کند خار مگیلان غم مخور»

امام باقر علیه السلام در ارزش قدم‌های مهاجران حسینی فرموده است:

«مَا أَتَاهُ عَبْدٌ فَخَطَا خُطْوَةً إِلَّا كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ وَ حُطَّتْ عَنْهُ سَيِّئَةٌ»<sup>۱</sup>

«هر کس به سوی حسین علیه السلام رود و قدمی بردارد به اندازه قدمهایش برای وی ثواب نوشته و گناهانش بخشیده می‌شود.»

«به شوق کوی تو آیم چنان ز خانه خویش که مرغ از قفس آید به آشیانه خویش»

همچنین امام صادق علیه السلام در این باره بیان داشته است:

«مَنْ أَرَادَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام لَا أَشْرَأَ وَلَا بَطْرًا وَلَا رِيَاءَ وَلَا سُمْعَةً مُحْصَتَ دُنُوبَهُ كَمَا يَمَحَّصُ الثَّوْبُ فِي الْمَاءِ فَلَا يَبْقَى

عَلَيْهِ دَنْسٌ وَ يَكْتُبُ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَاجَةً وَ كُلَّمَا رَفَعَ قَدَمَهُ عُمْرَةً»<sup>۲</sup>

«بی تردید هر که قصد دارد که بارگاه حضرت امام حسین علیه السلام را بدون شرارت و بیهودگی و ریا و خودنمایی زیارت نماید گناهانش همچون لباسی که با آب پاک می‌شود از دیوان اعمالش زدوده می‌شود و در مقابل هر قدمی که بر زمین می‌گذارد یک حج برای وی نوشته می‌شود و در عوض هر قدمی که بر می‌دارد یک عمره برای او محسوب می‌شود.»

قدمهای عاشقان حضرت «ثارالله» هرچند مسافت بسیاری باید بپیمایند و سختی و آسیب فراوان پیش رو دارند ولی وقتی عشق قلب را به تصرف درآورده همه چیز آسان و دلنشین می‌گردد.

«جمال کعبه چنان می‌دواندم به نشاط که خارهای مگیلان حریر می‌آید»

و عقل و محاسبات آن دیگر در برابر جلوگیری عشق رخت برمی‌بندد و رخ بر می‌تابد.

«عقل در هر مشکلی آید به امداد ولی رخ کند پنهان زمن چون عشق گردد جلوه‌گر»

در مسیرهای مختلف سفر به کربلا که برخی مختص پیاده‌روی می‌باشند جمعیت فراوانی به سوی کربلا در حرکت هستند و موكب‌های بسیاری به پذیرایی از زوار می‌پردازند.

مسیر «حیدریه» که کنار جاده نجف به کربلا می‌باشد و ما در آن در حال حرکت می‌باشیم شاهد جمعیت دلداده فراوانی است تمام دلها، نگاه‌ها و قدمهای آنان به سوی کربلا حسینی است.

۱. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۵.

۲. تهذیب الأحكام، ج ۶، ص ۴۴.

دیگر مسیرها «طریق العلماء» و «طریق کفل» که به «طریق العشائر» معروف است به «طریق عشق حسینی» تبدیل شده است و مردم روستاها و عشایر ساکن در این مسیر جلوه‌هایی از «ضیافت ایثار حسینی» آفریده‌اند که همگی نشان از «حَبِّ الحسین» علیه السلام دارد که موجب بذل جان و مال آنان به دلدادگان مکتب حضرت «زینة العرش» گردیده است. گاهی مناظری دیده می‌شود که گواهی تاریخی بر عمق ایمان و عشق به آن حضرت دارد. پیرمرد و پیرزنی که تمام اموال زندگی خود را در اختیار زائران می‌گذارند و با شوق و التماس دیگران را به پذیرایی دعوت می‌کند. جوانان که شبانه روز با ایجاد ایستگاه‌های خدمت‌رسانی و اطعام در حال رسیدگی به زوار هستند. هر کس هر چه دارد در طبق محبت حسینی گذارده است حتی آن دخترکی که در دستان کوچکش چند دانه خرما خشک است و پسر بچه‌ای که بر سر راه ایستاده و یک سینی خرما بر سر دارد. بی‌تردید آنان از این محبت خیر دیده و خواهند دید.

امام صادق علیه السلام در جواب «محمد بن سنان» که پرسید: پاداش انفاق در راه امام حسین علیه السلام چیست فرمود:

«يَا بَنَ سِنَانَ يُحْسَبُ لَهُ بِالذُّهُمِ أَلْفٌ وَ أَلْفٌ حَتَّى عَدَّ عَشْرَةً وَ يُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلَهَا وَ رَضِيَ اللَّهُ خَيْرَ لَهُ وَ

دُعَاءُ مُحَمَّدٍ وَ دُعَاءُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ عليهم السلام خَيْرٌ لَهُ»<sup>۱</sup>

«ای فرزند سنان، یک درهم خرج کردن در راه حسین علیه السلام یک میلیون حساب می‌شود و امام تا ده میلیون برشمردند و مطابق آن بر درجه‌اش افزوده می‌شود و والایی می‌یابد و رضایت خداوند [که نصیص می‌شود] برای او ارزشمندتر خواهد بود و دعای پیامبر خدا و امیر مؤمنان و امامان علیهم السلام که شامل حالش گردد نیز برای او از آن پاداش‌ها بهتر خواهد بود.»

مسیرهای دیگر که از «بصره» و یا «بغداد» شروع می‌شود و به جاده «حله» و یا روستای «مسیب» می‌رسد و به کربلا ختم می‌گردد همانطور که دلها نیز اینگونه است و کاروان عشق و محبت به وجود حضرت «محبوب» ختم می‌گردد.

قبیله «حواتم» بر تابلویی چنین ارزش و تعهد خود را به خدمت به زوار حضرت «ثارالله» بیان کرده بودند:

«لَوْ قَطَعْنَا أَيْدِيَنَا وَ أَرْجُلَنَا لَنْ تَرَكَنَا الْخِدْمَةَ لِزُورِ إِمَامِ الْحُسَيْنِ»

«اگر دست‌ها و پاهایمان قطع کنیم هرگز خدمت به زوار امام حسین علیه السلام را ترک نمی‌کنیم»

۱. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۵۰؛ کامل الزیارات، ص ۱۲۸.

«أَهْلًا وَ سَهْلًا بِزُورِ الْحُسَيْنِ»

«به زوار امام حسین علیه السلام خیر مقدم می گوئیم»

همانطور که بر سر درب موکب‌هایی در کربلا و مسیر آن اینگونه نوشته شده بود:

«حُبُّ الْحُسَيْنِ هُوَ يَتَنَا وَ خِدْمَةُ زُورِهِ شَرَفٌ لَنَا»

«عشق به حسین هويت ما و خدمت به زوارش مايه شرافت ماست.»

شایان ذکر است که متأسفانه در این بازار اظهار محبت و خدمت حسینی که کودک و پیر و جوان تمام وجود و دارایی‌شان در خدمت زوار الحسین علیه السلام می‌گذارند برخی دکان شقاوت دائر کرده و به دنبال سودجویی و گران کردن خدمات ایاب و ذهاب و کالاهای مورد نیاز می‌باشند.

﴿يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ﴾<sup>۱</sup>

ما و دوستان همراه در میان رهروان راه حسین علیه السلام به پیاده‌روی مشغول شدیم. همه به نوعی به اظهار عشق به حضرت محبوب علیه السلام می‌پرداختند. زائران دلداده گاهی با نوای حسینی و گاهی با سکوت حسینی و عده‌ای هم با خدمت حسینی موجی از حماسه عاشقی آفریده بودند. خستگی در چهره و قدم‌ها به هیچ صورت دیده نمی‌شد. خانواده‌هایی نیز با همه اعضای خود و حتی خردسالان کالسکه نشین به سمت کربلای حسینی در حرکت بودند. به راحتی می‌توان گفت: «حسین دلربا ترین محبوب عالم آفرینش» است.

همگان تلاش می‌کردند تا هر چه زودتر به محبوب خود برسند. از موکب‌ها آوا و نواهای حسینی به گوش می‌رسید و مجموع آن صداها سوگواره‌ای های پرطنین در آن بزرگ راه حسینی ایجاد می‌کرد.

به موکبی رسیدیم که مشترک بین برخی از اهالی «عراق» و «گناوه» بود. آنان در کنار هم با معرفت و محبت به رنگ حسین علیه السلام به خدمت زوار می‌پرداختند. «حُبِّ الحسین» همه را کنار هم گرد آورده بود.

خادمین عراقی آن موکب فارسی صحبت می‌کردند و می‌گفتند: سال قبل به دعوت خادمین گناوه‌ای به آن شهر رفته و مهمان دوستان ایرانی خود بودند. بعد از عذرخواهی از آنان که نمی‌توانیم دعوتشان را برای صرف نهار به جهت قول به دیگران اجابت کنیم از آنان صمیمانه خداحافظی کردیم و به راه خود ادامه دادیم.

۱. سوره روم (۳۰)، آیه: ۷.

سرکردگان استکبار جهانی و مزدوران منطقه‌ای آنان هر چه تدبیر و تلاش کرده‌اند که میان مردم مسلمان منطقه تفرقه عمیق و ریشه دار و خشن به وجود آورند و جنگ داخلی ایجاد کنند این وحدت اعتقادی و فرهنگی و «حبّ الحسین» همه توطئه‌ها را نقش بر آب کرده است.

این ارتباط دوسویه مردمی نشان می‌دهد که هشت سال جنگ تحمیلی عراق با ایران جنگ رژیم بعث با مردم مسلمان ایران و عراق بوده است.

«عشق به حسین» به همگان توان می‌بخشید که کوچک و بزرگ در راهش گام بردارند. موکب‌ها با اسم‌های مختلف در دو طرف مسیر حرکت خود نهایی می‌کردند و دست‌های نوازشگرشان با مهربانی به زوّار الحسین خدمت می‌رساندند.

عجیب جاده‌ای است از «جدّ الأئمه تا أبا الأئمه»، از «شهید در محراب تا شهید در میدان»، از «پدر شهید تا فرزند شهید»، از «اسوه شهید تا امام شهید»، از «نورالله تا ثارالله»، از «همسر فاطمه تا فرزند فاطمه». گویا صفا و مروه دیگری است.

پس از طی مسافت چندی به موکب مردم «خارگ» رسیدیم. جزیره‌ای تاریخی با مردمانی گرم و صمیمی در میان خلیج فارس. امام جمعه محترم و تعدادی از دلدادگان مکتب حضرت ثارالله و خیرین آن جزیره موکبی درخور مهیا کرده بودند.

آنان زمینی به سختی خریداری کرده و موکبی به نام مطهر «فاطمه زهرا» علیها السلام تا مرحله قابلیت استفاده و بهره‌برداری ساخته بودند. ما را برای دیدن مراکز خدماتی آن موکب هدایت کردند.

مردانی با شغل‌های مختلف در وطن خود ولی هم‌اینک با هم یک شغل داشتند و آن «خادم الحسین علیه السلام» بود و به آن افتخار می‌کردند.

آنان پیشنهاد دادند که لیوان‌هایی که در سینی به خوبی جای داده شده بودند از شربت پرتقال پر کنم. بعد از انجام اینکار شوق و میل به ارائه آن به زوّار مرا واداشت تا خود به آن شیفتگان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام تعارف کنم و از ایشان پذیرایی نمایم. بیشتر آنان به سویم آمدند و بعد از احوال‌پرسی‌های مرسوم از آن لیوان‌ها برمی‌داشتند چند بار این کار تکرار شد و آنان با لهجه‌های شیرین و مختلف تشکر و قدردانی می‌کردند و عکس می‌گرفتند.

بعد از خداحافظی از مسئولان موکب «خارگ» به سوی «کربلا» حرکت کردیم. حرکت پیاده رویی زوار در راهی که دو طرف آن موکب احاطه کرده بودند منظره زیبایی به تصویر می کشید و نشان از مانایی و حیات بالنده راه حسین علیه السلام داشت.

زوال خورشید نزدیک می شد و وقت نماز فرا می رسید. به موکب مردم عزیز «دلوار» به نام شهید والامقام «رئیسعلی دلواری» رسیدیم. بعد از اقامه نماز و سخنرانی کوتاهی پای سفره ناهار حسینی نشستیم. جمعیت قابل توجهی حضور داشتند. بعد از ناهار و بازدید از مراکز پشتیبانی آن موکب به مرکز بهداشت مستقر در کنار این موکب رفتیم و جلسه ای صمیمی با آنان برگزار شد سپس به محل خدمات پزشکی رفتیم و پرستاران و پزشک های جوان مشغول خدمت بودند. این «حسین» است که همه را به راه محبت خود می کشاند.

از ایشان تشکر و قدردانی کردیم و به سوی کربلا «آشیانه آسمانی قلبهای حسینی» حرکت کردیم. موکب ایل قشقایی از دور در میان موکب ها با همان آرایه های عشایری متمایز از دیگران چشم نوازی می کرد. سیاه چادری بزرگ برای پذیرایی از زوار الحسین علیه السلام مهیا شده بود. چند روحانی بزرگوار از این ایل و بزرگان آن به استقبال آمدند. توضیحاتی پیرامون کیفیت پذیرایی و اسکان و برنامه های فرهنگی دادند که بسیار ارزشمند بود و این برای بنده که عشایر را به خاطر آن پاکی و صفای خاص و شجاعت و ایمان بالای آنان بسیار دوست دارم جالب و پر جاذبه بود. تاریخ پر فراز و نشیب این ایل حکایت از بزرگانی چون: «صولة الدولة قشقایی» در مبارزات ضد استعماری جنوب ایران و دوران مشروطیت دارد و همچنین علمایی مانند: «جهانگیرخان قشقایی» که از فلاسفه مشهور جهان تشیع است.

آنان با روحیه مهمان نوازی خاص عشایر اصرار به صرف ناهار و پذیرایی داشتند که تشکر کردیم و از آن مردمان با وفا که هم اینک در راه حسین بر صفایشان نیز افزوده شده بود خداحافظی نمودیم.

هر چه به کربلا نزدیک می شدیم ازدحام جمعیت بیشتر می شد. آری طبیعت نور این است که جاذبه اش همه را جذب خود می کند. قدم های خسته ای که فرسنگها پیموده بود با نمایان شدن کربلا از دوردست تند تر و سریعتر برداشته می شد. گام های معرفت و عشق یکی پس از دیگری زمین را به سوی حضرت محبوب علیه السلام در می نوردید. شماره عمودها به ۱۰۰۰ رسید. دیدن نخلستان ها و شط فرات و دیواره های شهر کربلا انسان را در

حزنی عمیق فرو می‌برد و اشکها بی اختیار از چشم‌ها فرو می‌ریزد. گویا نخل‌ها از سوگ حسین علیه السلام سر در گریبان کرده و فرات رودخانه‌ای از اشکهای همیشه جاری عزاداران حضرت تنهای تنها علیه السلام می‌باشد. از هر سو که نگاه می‌کنی جمع عاشقانی را می‌بینی که به کوی معشوق نزدیک می‌شوند. سلسله جمعیت چون رودی خروشان می‌نماید که از هر طرف به دریای زائران می‌پیوندد تا به ساحل امن و آرامش حضرت محبوب رسند. دلهای بی قرار در کنار حسین همچون پرنده‌ای در آشیانه آرام می‌گیرد.

«باغ فردوس نخواهند مقیمان درت نیست خوش‌تر ز سر کوی تو دیگر جایی»

دشمنان اسلام می‌خواستند با ارتکاب جنایت هولناک در کربلا نام و نشان و راه حسین علیه السلام را خاموش کنند ولی آنان هرگز موفق نشدند؛ مگر می‌شود محبت محبوب را از جان محب جدا کرد.

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾<sup>۱</sup>

«آنان می‌خواستند نور خدا را با دهانهایشان خاموش کنند ولی خداوند اراده کرده است که نورش را به کمال رساند هر چند کافران مخالفت کنند.»

حضرت زینب علیها السلام خطاب به یزید اینگونه فرمودند:

«وَاللَّهُ لَا تَمَحُّوْ ذِكْرَنَا وَلَا تُمِيتُ وَحْيَنَا»<sup>۲</sup>

«به خدا سوگند تو نمی‌توانی نام ما را از بین ببری و دین خدا را که به ما وحی شده بمیرانی»

بیش از هزار سال از نهضت کربلا می‌گذرد ولی هرگز یاد حضرت «امام شهدا» علیه السلام فراموش نمی‌شود و این یک معجزه الهی و یک تقدیر خداوندی است.

«هزار سال گذشت از حکایت مجنون هنوز مردم صحرائشین سیه پوشند»

مهر و محبت حضرت «نارالله» علیه السلام چنان است که هرگز رقیبی برای آن یافت نمی‌شود.

«شاهان من ار به عرش رسانم سریر فضل مملوک این جنابم و مسکین این درم»

گر برکنم دل از تو و بردارم از تو مهر این مهر بر که افکنم، این دل کجا برم»

۱. سوره صف (۶۱)، آیه: ۸.

۲. اللهوف، صص ۲۱۴-۲۲۰.

حجم وسائل نقلیه چنان بسیار بود که در ورودی شهر کربلا همه آن وسائل متوقف می‌گردید و زائرانی که با وسیله نقلیه نیز آمده بودند به جمع راهپیمایان حسینی می‌پیوستند.

کاش این مردم در سال ۶۱ ه.ق بودند که «امام مظلوم (علیه السلام)» را یاری کنند و حضرت «وترالموتور: تنهای تنها» در غربت غریبانه خویش با داغ عزیزانش به قربانگاه کربلا نرود و زائران نیز به سعادت صحابت و مجاهدت و سرانجام شهادت دست می‌یافتند.

«يَا لَيْتَنَا كُنَّا مَعَكُمْ فَتَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا»

«ای کاش ما باشا [شهدای کربلا] بودیم که در این صورت به سعادت بزرگی دست می‌یافتیم.»

خیابان‌های کربلا با تمامی شلوغی‌های خود طریق عزاداران عاشقی شده بود که با اشکهایشان غبار مصیبت را از آن می‌زدودند و جای قدمهای خود را به یادگار بر آن باقی می‌گذاشتند. همه جا بوی خدمت و پذیرایی، عشق و وابستگی و پیوستگی به حسین (علیه السلام) می‌دهد.

تمامی مردم کوچک و بزرگ لباس سیاه به تن دارند حتی بیچه‌ها در آغوش مادر و یا در کالسکه لباس سیاه پوشانده‌اند و سربند «یا حسین (علیه السلام)» بر پیشانی‌شان می‌باشد و بر سرشان گره خورده است.

همگان آهنگ «حسین (علیه السلام)» دارند و چشمهای زائران شیدا به دنبال اولین رؤیت بارگاه حسینی است. هم‌اینک شوق دیدار آن حضرت مسافت پیش‌رو را زیاد جلوه می‌داد.

«آتش به جانم افکند، شوق لقای دلدار  
از دست رفت صبرم، ای ناقه! پای بردار»

در کنار «مسجد جامع» که در آغاز مسیر ورودی اصلی شهر «کربلا» از مسیر «نجف» می‌باشد توقف کردیم و در آنجا موکب دار محترم عراقی ما را دعوت به حضور در داخل آن نمود و این آغازی از خان پذیرایی حسینی در «کربلا» بود. در آنجا با چندی از روحانیون و مردم عزیز توفیق دیدار داشتم و سؤالاتی مطرح فرمودند و جوابی داده شد.

بعد از ساعتی به اقامتگاه خود رسیدیم. شوق زاید الوصف دیدار بارگاه حضرت «محبوب الأرض و السماء» (علیه السلام) خستگی سفر را نمی‌گذاشت که سخنی برای گفتن داشته باشد به طرف حرم «حضرت آفتاب» حرکت کردیم تا در شب جمعه شب زیارتی آن حضرت است توفیق درک زیارتش پیدا کنیم.



امام صادق علیه السلام :

« وَاللّٰهُ يَزُوْرُهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ يَهْبِطُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ إِلَيْهِ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأَوْصِيَاءُ وَ مُحَمَّدٌ أَفْضَلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ نَحْنُ أَفْضَلُ

الْأَوْصِيَاءِ »<sup>۱</sup>

«خداوند حضرت اباعبدالله الحسين علیه السلام را در شب جمعه زیارت می کند و فرشتگان و پیامبران و جانشینان آنان نیز که در صدر

پیامبران حضرت محمد صلی الله علیه و آله و در صدر جانشینان ما هستیم در این زیارت حضور دارند.»

نقل شده است که از حضرت بقیه الله الأعظم روحی فداه که درباره ارزش زیارت حضرت اباعبدالله الحسين علیه السلام

در شب جمعه فرموده است:

«زِيَارَةُ الْحُسَيْنِ علیه السلام لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ أَمَانٌ مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»<sup>۲</sup>

«زیارت امام حسین علیه السلام در شب جمعه مایه نجات انسان از آتش دوزخ در روز قیامت است.»

دستجات عزاداری به زبان های مختلف از هر سو به سمت حرم در حرکت بودند. صدای حزین نوحه گران و دست های سینه زنان و زنجیر زنان و طبل های مصیبت و فریادهای عزاداران فضایی سراسر همنوای سوگ حسینی ساخته بودند. مانا ترین سوگ تاریخ، اندوه بارترین مصیبت، اشکبارترین غم، الهام بخش ترین عروج و پرتولیدترین نهضت و شهادت، باشکوه ترین یادمان و پرجاذبه ترین حماسه و مکتب، قیام و شهادت حضرت «ثارالله» علیه السلام است.

تنها راه ورود به صحن و سرای حسینی به جهت ازدحام با شکوه جمعیت عزادار حضور در دستجات عزاداری بود ما وارد هیأتی شدیم که در کنار درب آستان آسمانی آن حضرت مشغول عزاداری و قصد ورود به داخل حرم داشت. نام آن هیأت «حضرت رقیه» علیه السلام بود که عزاداران عراقی بودند. خود را گل آلود کرده بودند و بسیار حزین و اندوهناک عزاداری می کردند.

ما نیز مشغول عزاداری شدیم و با هم نوایی با نوحه جانسوز آنان داخل حرم شدیم. اینبار اذن دخول مابه حرم حسینی اشک و نوحه سرایی و عزاداری شد و تحت لوای عزای دختر سه ساله اش حضرت «رقیه» علیه السلام وارد

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۱۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۱۵.

حرم شدیم. عجب اذن دخولی شد. تمام وجود انسان غم و اندوه فرا می‌گیرد و اشک‌های زائر سوگوارانه به گونه‌ها روان می‌شود.

به رسم هیأت‌های عزاداری این هیأت نیز بعد از ورود در مقابل ضریح آن حضرت چند دقیقه‌ای ایستاد و به سوگواری با شور و نوایی با شدت بیشتری پرداخت سپس از طرف دیگر خارج شد. بعد از هیأت عزاداری حضرت «رقیه» علیها السلام هیأت عزاداری دیگر قصد ورود به حرم داشتند که نامی بسیار آشنا و زیبا داشت و آن هیأت‌گذاران حضرت «فاطمه معصومه» علیها السلام اهالی «قم» بود.

افراد مقدم آن هیأت همگی چهره‌های آشنایی بودند که در «قم» با ایشان مصاحبت داشتیم. برای خود توفیق و تقدیری الهی دانستم و در کنار آنان قرار گرفتم تا با نام حضرت «معصومه» علیها السلام نیز به سوگ حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام پردازم. وارد آن هیأت شدم و مسئولان آن استقبال کردند و به عزاداری پرداختیم. پس از اتمام عزاداری و خروج آنان از حرم مشغول قرائت اشک واره اذن دخول حرم شدم.

«با تو امشب همه دل دادم و از روی تو مستم همه تن چشم شدم خیره به درگاه تو گشتم»

عزاداری دلدادگان داغدار حسینی همنوا با اهل آسمان و فرشتگان است که سراسر وجودشان حزن و اندوه و عزا و ماتم می‌باشد.

امام صادق علیه السلام :

«إِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ علیه السلام لَمَّا مَضَى بَكَتْ عَلَيْهِ السَّمَوَاتُ»<sup>۱</sup>

«همانا آنگاه که حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام به شهادت رسید آسمان‌یان بر او اشک ریختند»

در کنار ضریح مطهر آن حضرت نیز فرشتگان سوگوار در عزای آن حضرت مظلوم تا روز قیامت داغدار می‌باشد:

امام صادق علیه السلام :

«عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام أَرْبَعَةُ آلَافٍ مَلَكٍ شُعْتُ غُبْرًا يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»<sup>۲</sup>

۱. کامل‌الزیارات، ص ۸۰.

۲. کامل‌الزیارات، ص ۸۴.

« نزد مرقد مطهر امام حسین علیه السلام چهار هزار فرشته وجود دارد که غبار آلود و در حزن و اندوه می‌باشند و تا روز قیامت اشک می‌ریزند.»

«در بارگاه قدس که جای ملال نیست

سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است

جن و ملک بر آدمیان نوحه می‌کنند

گویا عزای اشرف اولاد آدم است»

شمع عرشی وجود مطهر حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام چنان جاذبه دارد که فرسنگها دلداده عشق به حضرتش به گرد حرمش سوخته دلان جمع شده‌اند. هر جا که می‌نگری «حسین» می‌بینی و می‌شنوی.

«این حسین کیست که عالم همه دیوانه اوست

این چه شمعی است که جانها همه پروانه اوست

بس که آن جلوه توحید مرا در نظر است

هر کجا می‌نگرم رنگ رخس جلوه گر است»

انسان انبوه جمعیت فشرده در صحن و سرا و اطراف ضریح را که می‌بیند می‌پندارد که هرگز جایی برای او در حرم حضرت محبوب نیست ولی اندکی که به سویش می‌روی می‌بینی آغوش ضریحش برای همگان گشوده است یکباره مشاهده می‌کنی در جوار حریم حرم حضرت ثارالله علیه السلام مقامی داری. آری حرم «حسین» علیه السلام جایی برای همگان در هر شرایطی که هستند می‌باشد.

انسان می‌فهمد که با «حسین» علیه السلام می‌تواند خدایی شد. حضرت «سفینة النجاة» هیچکس را از خود نمی‌راند بلکه او را می‌خواند و چه زیبا نوازش می‌کند و پذیرایی می‌نماید.

با کوهی از غم سوگ و شوق دیدار با اذن دخول وارد حائر عرشی امام «حسین» علیه السلام شدم. گویا تمام دل خواسته‌های انسان در این مکان آسمانی است.

به خوبی احساس می‌شود بیش از آن که محبتش برای او باشد او برای آنان است، پیش از آنکه محبتش دست به سویش برد دست نوازش اوست که به سویش می‌آید. آری حائرش قطعه ای از بهشت است.

امام صادق علیه السلام :

«مَوْضِعُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام مُنْذُ يَوْمِ دُفِنَ فِيهِ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ»<sup>۱</sup>

«مکان قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام از آن روزی که در آن دفن شد بوستانی از گلستان بهشت است.»

۱. کامل‌الزیارات، ص ۲۷۱.

« إِنَّ لِلَّهِ بِقَاعًا يُحِبُّ أَنْ يُدْعَى فِيهَا فَيَسْتَجِيبُ لِمَنْ دَعَاهُ وَ الْحَائِرُ مِنْهَا<sup>۱</sup> »

«خداوند مکان‌های متهربکی دارد که دوست دارد در آن دعا خوانده شود تا اجابت نماید و حائر حسین از آن است.»

و چه زیبا سروده است:

«إِنْ جِئْتَهُ وَاجِدًا فِي بَدْءِ حَائِرِهِ

قَدْ هَبَطَ الْعَرْشُ عَلَيَّ أَرْضِ الْوُجُودِ»

«اگر مشرف شوی به نزد وی می‌یابی در همان ابتدای حائرش

که بی‌تردید عرش خدا بر زمین فرود آمده است.»

آنگاه که پای در حائرش می‌گذاری بخوبی مشهود است که با زمین پیش از آن بسیار متفاوت است. گویا بر ابرهای آسمان محبت خدا پای می‌گذاری. هیچ جای زمین اینگونه نیست. حائرش بیش از آنکه زمینی باشد آسمانی است.

نه دعا می‌توان کرد و نه زیارتی می‌توان خواند هرچه است گره نگاه است که با اشک چشمه توأم است.

« با تو امشب همه دل دادم و در وصل تو مستم همه تن چشم شدم خیره به درگاه تو گشتم»

قلبم اجازه به زبانم نمی‌داد و نمی‌خواست چیز دیگری با او شریک در اظهار عشق باشد. او از زبانم می‌خواست پیشی گیرد و چنین شد. تنها به چشم‌هایم که دیگر چشم او گردیده بود اذن داشت که از عمق درونش جویی به دریای اشک‌های محبتش به پیش پایش بریزد.

« گفتم اظهار غم خویش به دلدار کنم گریه مانع شد و نگذاشت که اظهار کنم»

بعد از چندی زبانم اجازه یافت که آنچه در دل دارم با قرائت زیارت‌نامه‌اش بیان نمایم ولی قلبم نمی‌خواست در محدوده محتوای زیارت‌نامه محصور باشد. او به دنبال خود نجوایی بود.

خود را به قلبم سپردم و حسین مرا که دیگر یک قلب گشته بودم با خود برد.

« چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی»

در آنجا هیچ هوشیاری نیافتم، همه بی هوش و مبهوت و محو وصال حضرت قدسی عشق «حسین» علیه السلام بودند. انسان همه آنان را دوست دارد چرا که جملگی محبّ حضرت محبوب می باشند.

«همی گویم و گفته ام بارها بود کیش من مهر دلدارها

پرستش به مستی است در کیش مهر بروند زین جرگه هشیارها»

اشکها نشان شکستن دلهای عاشقانی است که آن را به هدیه آورده بودند.

«از آنچه پیش دوست بود در خور نثار تنها مرا دلی بود اما شکسته است

هر چیز بشکنند زها اوفتد و لیک دل را بها و قدر بود تا شکسته است»

بازار دلدادگی و دل شکستگی گرم گرم است.

«بر سر کوی تو غوغای قیامت می شد گر شکست دل عشاق صدایی می داشت»

بر آستانش با حالاتی ضد و نقیض: عشق، غم، شادی وصل، ترس فراق پیش روی ضریح آسمانی اش نشسته بودم و ساعتها با بی زبانی و گاهی با اندک بیانی سخن می گفتم.

«شرح صحیفه غم ما گر مطول است معذور دار در شب یلدا نوشته ایم»

حیفم می آمد که برخیزم و باز گردم.

«هرچه داریم ز سودای تو دلبر داریم حیف باشد که ز سودای تو دل بر داریم»

لحظه های عارفانه دیدار، سحر می کند شب تار را و لذت وصال، بی تاب می کند عاشق گرفتار را.

«مژده وصل توام ساخته بی تاب امشب نیست از شادی دیدار مرا خواب امشب»

بعد از اقامه دو رکعت نماز زیارت و شکرگزاری به درگاه ایزد منان برای توفیق زیارت حضرت ثارالله علیه السلام و سپاس از حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام به امید دیداری مجدد به سمت اقامت گاه خود حرکت کردم هر چند دلم نگاهش با من نبود و چون کودکی که از مادر جدایش می کند تمام نگاهش به حرم بود و به زور او را به خودم می کشیدم. شاید دلهای بسیاری از عاشقانش در حرمش جا مانده باشد.

«آنچه من از دام زلفت خوب رویش دیده ام باورم ناید که در عالم دلی آزاد هست»

سلسله جمعیت عزادار با نشان و بیان اهل ماتم هنوز از هر سو به سوی حضرت «صاحب ماتم» ﷺ با دل اشک می‌ریزند و با زنجیر پریشانی بر سر و روی می‌زنند و دل خود را با حضرتش پیوندی از جنس عشق گره می‌زنند.

« به هر مویی از آن زلف پریشان      دل جمعی پریشان می‌توان یافت. »

روز با طلوع آفتاب از افق حضرت خورشید کربلا ﷺ آغازی دوباره با رنگ اندوه و غم یافت. روز جمعه در فرهنگ اسلامی «سید الايام» و روز عبادت خداوند است؛ به همین جهت شب و روزش آیین عبادی خاصی دارد.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ :

«إِنَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ سَيِّدُ الْأَيَّامِ وَأَعْظَمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَهُوَ أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ يَوْمِ الْأَضْحَى وَيَوْمِ الْفِطْرِ»<sup>۱</sup>

«همانا روز جمعه سرآمد تمامی روزها و ارزشمندترین آنها نزد خداوند است. آن روز نزد خداوند ارزشمندتر از عید فطر و عید قربان است.»

همچنین آن حضرت ﷺ درباره آثار و برکات اعمال در این روز فرموده است:

«إِنَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ سَيِّدُ الْأَيَّامِ يُضَاعَفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتُ وَيَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتُ وَ يَرْفَعُ فِيهِ الدَّرَجَاتِ وَيَسْتَجِيبُ

فِيهِ الدَّعَوَاتِ»<sup>۲</sup>

«همانا روز جمعه سرآمد تمام روزهاست و خداوند ثواب کارهای نیک را چند برابر می‌کند و در آن بدیها را پاک می‌گرداند و در آن درجات را بالا می‌برد و در این روز دعاها را اجابت می‌نماید.»

اقامه نماز جمعه که یکی از عبادات بسیار مهم اسلامی در این روز می‌باشد و دارای مزایای بسیار معرفتی و برکات دنیوی و اخروی می‌باشد.

۱ . سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۳۴۴.

۲ . الکافی، ج ۳، ص ۴۱۴؛ تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۳؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۷۴؛ مصباح المتهدج، ص ۲۶۱.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ :

«فَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ مَشَى فِيهِ إِلَى الْجُمُعَةِ إِلَّا حَفَفَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ»<sup>۱</sup>

«بی تردید هر مؤمنی که به سوی نماز جمعه می‌رود خداوند سختی‌های روز قیامت را از او بر می‌دارد و به وی فرمان داده می‌شود که به سوی بهشت رود.»

جمعیت بسیاری در سراسر صحن و سرای آستان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام را برای اقامه نماز جمعه گردهم آمده بودند و این فریضه الهی با شکوه تمام برگزار گردید.

### شب اربعین

هر شبی که به نام حضرت «وارث الأنبياء» است غوغایی در آسمان و زمین به پاست. شب سوم شعبان، شب عاشورا و شب اربعین از آن شبهای حسینی است.

تا فرسنگ‌ها جمعیت عزادار حلقه سوگ به گرد آستان سراسر نورش زده‌اند و لحظه به لحظه بر تعداد آنان اضافه می‌شود. هیأت‌های عزادار به هر شکل و زبان برای سوگواری و ابراز وفاداری از هر طرف نوحه‌گر و بر سینه و سرزنان به سمت حرم حضرت «ثارالله» علیه السلام در حرکت می‌باشند. در تاریخ بشریت هیچ شخصیتی همچون حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام جامعه بشری داغدار وی نمی‌باشد.

رمز ماندگاری «عزای حسینی» این است که او «با خدا» و «برای خدا» و «حجت خدا» و «وارث پیامبران خدا» و «نهاد راستین راه خدا» هست و هر چه داشت در «راه خدا» به قربانگاه آورد و «شهید راه خدا» شد پس چون «خدایی» بود تا خدا هست او نیز است و خداوند جاودانه است پس حسین و راه او نیز جاودانی است.

خداوند هر چه از صفات و افعال دارد که می‌توان به انسانی دهد به وی داده است. «حسین» مظهر تمامی اسماء و صفات خداوندی است.

خداوند خواسته است که «حسین تجلی بخش اسلام» به عنوان «دین خاتم» تا پایان دنیا باشد به همین جهت بعد از «حسین» همه چیز حسینی است «امامان» از نسل وی و مراکز فرهنگی به نام وی و سخنان به یاد وی می‌باشد.

«به هر چه بنگرم تو نمودار بوده‌ای ای نانموده رخ توجه بسیار بوده‌ای»

سرنوشت جهان آینده با نام «حسین» علیه السلام رقم خواهد خورد.

۱. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۲۹۸.

سخنرانان به تبیین «مکتب حسین» مشغول می‌باشند. موکب نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران مکان سخنرانی بنده بود در طول مسیر به آنجا در موکب مردم عزیز «چغادک» اقامه نماز مغرب و عشاء و سخنرانی کوتاهی پیرامون اربعین داشتیم و به محل سخنرانی رفتیم و در محضر مبارک عزاداران درباره اربعین و جایگاه تربیتی آن سخنرانی تقدیم داشتیم و در مصیبت آن حضرت همگی اشک ریختیم. در آن موکب همه امور خدماتی، فرهنگی و پزشکی وجود داشت و همگان در تلاش جهت خدمت به زوار اربعین بودند. زن و مرد در سختی و تنگنای محیط کاری در اندیشه رضایت خدا در پرتو خدمتگزاری به راه حسین علیه السلام بودند.

بیرون آن موکب تا چشم می‌دید جمعیت عزادار بود. در موکب مردم عزیز «گناوه» مقداری توقف کردیم و شاهد عشق آنان به خدمت به زائران بودم.

مسیر بازگشت به اقامتگاه از طرف حرم مطهر می‌گذشت و جمعیت بسیار عزادار حلقه ماتم به گرد آستان حضرت مظلوم زده بودند و بارگاه آسمانی‌اش چون قلبی عرشی می‌نمود و قلبهای عزاداران با آن گره خورده و هم نوا می‌تپید. انبوه عزاداران که ایستا و محو عشق آن حضرت شده بودند چنان زیاد و فشرده کنار هم قرار داشتند که باعث کندی حرکت دیگران می‌شدند. با اندوه و غم پس از مدتها به محل اقامت خود رسیدیم. حضرت «ثارالله» علیه السلام چنان کرده است که تمام مردم همگی جان خود را به الطاف بی‌پایانش گره زده‌اند و هیچ راهی به جز «طریق حسین» نمی‌شناسند.

« زلفت هزار دل به یک تار مویست  
راه هزار چاره‌گر از چارسویست »

به راستی دلرباترین نام نام «حسین» و اندوه‌زا ترین سوگ، عزای «حسین» و الهی ترین راه «راه حسین» است. انسان وقتی می‌نشیند می‌خواهد با حضرت «آفتاب» علیه السلام سخن بگوید می‌بیند که آن حضرت بیش از ما سخن دارد و انسان محو جمال و بیان آن «ذبح عظیم» علیه السلام می‌شود و دیگر همان امور بر زبان خود نیز جاری می‌بیند. زائرش حوائج خود را از یاد می‌برد و تنها مصائب او بر زبان دارد و اشک نیز زمین زبان را آبیاری می‌کند و چه شیوا و رسا و گویا سخن از اندوه و غم می‌گوید. در مجلس انس و سوگ حضرت «أبا المصائب» همواره احساس می‌شود که درد دلها ناتمام مانده و زیارت آینده برای بیان دل خواسته‌های ناگفته است.

« اندکی پیش تو گفتم غم دل، ترسیدم  
که دل آزرده شوی ورنه سخن بسیار است. »



## روز اربعین

خورشید در روز اربعین سوگوارانه از افق غم طلوع کرد و ابرهای اندوه آسمان کربلا را فرا گرفت و خاک سوگ بر همه چیز رخ می نمود و نسیم بی رمقی که بوی حزن داشت عَلم‌های عزا را مجبور می کرد نام «حسین» را که بر آن نقش بسته بود به نمایش درآوردند. آسمان بخوبی نشان می داد که سوگوار است. امروز با دیگر روزها کاملاً حال و هوایی دیگر دارد و احساس می شود جهان غمزده و از عمق جان اندوهناک و حزین است.


عزاداران زمینی در زمین و سوگواران آسمانی در آسمان حرم حضرت مظلوم را از هر سو در آغوش گرفته اند و هم‌نوا سرودی به رنگ حزن فریاد می کشند و این تنها اجتماع سوگ اهالی خاک همراه با پرده نشینان عالم افلاک است.

اشک حرف اول می زند و غم نامه خوانی دیوان دل را حکایت می کند. قدمها جز آستان حضرت محبوب بر نمی تابد و عَلم‌های سیاه اندوهی به بلندای یلدایی بدون ماه روایت می نماید.

زبان به بیان عمق اندوه عزاداران زبون، و قلم در توصیف حال سوگواران دلخون است.

دریایی از به سوگ نشستگان اطراف ساحل آسمانی حضرت «سفینه النجاة» فرا گرفته است.

مسابقه ای بین دل، نگاه و زبان است که سرانجام دل عنان به دست می گیرد و نگاه را ذوب در حضرت محبوب می نماید و زبان را به سوگ می گشاید و خون نامه عزای حسینی را نوحه گری می کند و همه اعضای وجودم باهم تنها هیأت عزادار محبان حسین گردیده اند. جمعیت سوگوار که بر تعدادشان دمامد اضافه می شود هرگز جایی دیده نشده و نخواهد شد. کربلا و اطراف آن هر مقدار جا دارد آغوش خود را برای سوگواران گشوده است.

عزاداران سوگ جماعت عزا را به امامت حضرت بقیه الله الأعظم روحی فداه اقامه کرده اند چرا که آن حضرت  فرموده است:

« فَلَا تُدْبِنَكَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً وَ لَأَبْكِيَنَّكَ بَدَلُ الدَّمُوعِ دَمًا<sup>۱</sup> »

«بی گمان برای تو [ای حسین] روز و شب سوگوار می باشم و به جای اشک خون گریه می کنم»

۱. المزار الکبیر، ص ۴۹۶.

غم در قلبهای عزاداران شعله ور شده و دیگر خاموشی ندارد.

« إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا »<sup>۱</sup>

«مانا به جهت شهادت حضرت اباعبدالله الحسین (ع) در قلبهای مؤمنان آتشی شعله ور است که هرگز خاموش نمی شود»

«آتش گرفته قلبم از داغ یار جانی  
خاموش نخواهدش شد هرگز اگر بدانی

عمری است آتش سوگ سوزانده جان و عمرم  
جز هیمة نیمه سوخته نبود دگر نشانی»

در صحن حرم غوغایی از حماسه سوگ و اشک، و قرائت اربعین نامه حضرت «نور الأنوار» و گره زدن دست به ضریح حضرت «سفينة النجاة» به پاست.

انسان از دیدن ضریح، قتل گاه و آن فضای سراسر حزن به یاد اولین زائرین اربعین می افتد و برگ های کتاب تاریخ اربعین را یکی پس از دیگری ورق می زند تا به خود می رسد؛ جاده ای تاریخی پر از معرفت، اشک از «جابر بن عبدالله انصاری» تاکنون. هم اینک هر زائر جابر است و هر قطره اشک فراقی از سرشک غم فراق تاریخی حضرت «خلیل الله» (ع) است.

«به من فراق تو ای ماه مهربان آن کرد  
که فرقت مه کنعان به پیر کنعان کرد»

گویا ضریح حضرت «محبوب» (ع) قلب جهان است که دل های عاشقان وی در پرتو آن هم نوا می تپد و فریاد «هل من مغيث» وی را با «لبیک یا حسین» پاسخ می دهند.

قرائت زیارت نامه اربعین در مقابل وجود مطهرش یک هدیه عرشی به زائر سراسر معرفت و محبت است. در آن القاب خاصی مانند: «ولی الله» و «حبیب الله» و «خلیل الله» و «نجیب الله» و «صفی الله» و «مظلوم» و «شهید» و «اسیر کربات» و «قتیل العبرات» و «سیّد السادات» و «صاحب موارث الأنبياء» و «حجة الله» و «قائد الأمة» و «ذائدة الحق» و «مانح النصح» و «باذل المهجة» و «مستنقذ العباد» و «ابن سیّد الأوصیاء» و «أمین الله» «ابن رسول الله» و «الإمام البرّ» و «التقی» و «الرضی» و «الزکی» و «المهادی» و «المهدی» و «وافی بعهد الله» و «مجاهد فی سبیل الله» و «رکن الإسلام» و «دعائم الدین» و «معقل المومنین» ذکر شده است که نشان از عظمت وجودی آن حضرت دارد.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸.

زیارت‌نامه اربعین زیارت دیوانی جامع برای تبیین:

۱. جایگاه وجودی و ارزشی آن حضرت

۲. ماهیت جهنمی دشمنان وی

۳. عهدنامه‌ای برای ولایت وی از جانب مؤمنان

می‌باشد.

به واقع آن زیارت نامه دیوان معرفت، ولایت، هدایت و بصیرت و مجاهدت است.

بعد از اقامه نماز زیارت اربعین در بالای سر آن حضرت جای را برای دیگران گذاشتم و در محل دیگری همانند

همه دلدادگان حضرت «زینة العرش» ﷺ می‌خواستم لب به سخن از دردهای دل وا کنم ولی دانستم که آنچه

در دل دارم می‌داند و خود هزاران بار گران‌تر از آن خود بر دوش دارد.

«خواستم سوز دل خویش بگویم باشممع داشت او خود به زبان آنچه مرا در دل بود»

اشک با اندوه همراه با غم نامه خوانی زبان از سر چشمه دل بر چشم جاری می‌شود و لبهای خشکیده را مدد

می‌رساند.

«خوش حالتی است با دل شیدا گریستن در گوشه‌ای نشستن و تنها گریستن»

نمی‌دانم چه شد، تنها غارت دل خود را تماشا کردم و دل نیز درب قلعه خود را باز کرده و تسلیم بود.

«به غارت رفت یا خون گشت یا محو تماشا شد خدا داند چه پیش آمد دل دیوانه ما را»

انسان احساس می‌کند در کنار حضرت «سفینة النجاة» در این دنیایی پر از شور و شر پناهی دارد.

«منت ایزد را که بعد از بی پناهی‌های چندم داد از جنگ حوادث در خم زلفش پناهی»

و در پرتو انوار حضرت «مصباح الهدی» ﷺ در ظلمت کده حیرت دنیایی بزرگ راهی آسمانی دارد.

«همه گمشدگان حیرت و غوغا دارند مقصد آنجا است که دلدار در آن جا دارد»

انسان بعد از گذشت چندی از بیان دردها و خواسته‌هایش متحوّل می‌شود و تنها محبت و نگاه آن حضرت در

دنیا و آخرت را می‌خواهد و می‌طلبد.

«نیست بر لوح دلم جز الف قامت یار چکنم حرف دگر یاد نداد استادم»

انسان واقعا احساس می کند که همچون «صفر» است ولی اگر در کنار عددی دیگر قرار گیرد قیمتی پیدا می کند و عدد قابلی می گردد؛ به همین جهت هر چه ارادت به حضرت محبوب بیشتر و قرابت عمیق تر باشد ارزش انسان در دنیا و آخرت بیشتر می شود.

«در قیامت که سر از خاک بر در خواهم کرد باز هم در طلبت خاک به سر خواهم کرد.»

تجلی اعظم آثار «حبّ الحسین» در آخرت است و شفاعت و عنایت وی به محبانش در آن سرای جاودانه بسیار است.

«روز محشر که زهر گوشه کسی برخیزد همچو من کشته ز کوی تو بسی برخیزد»

با عشق حسین علیه السلام همه چیز فراموش می گردد و در پرتو نور وجودش محو می شوند.

«سایه طوبی و دلجویی حور و لب حوض به هوای سر کوی تو برفت از یادم»

در چهره همه زائران می توان دید که از سعادت زیارت اربعین و توفیق حضور در محضر حضرت «محبوب» علیه السلام احساس رضایت می کنند و سپاسگر و شکر گزار ذات اقدس باری تعالی هستند.

«شکر لیل که ما را وصل یار حاصل بشد درد و هجرانم به سر آمد و درمانم رسید»

عشق به حضرت «زینة العرش» گنج آسمانی بی پایان است.

«تا عشق در دل ما منزل گرفت روزی بس گنجها که دیدم در این خرابه منزل»

ورود انبوه جمعیت از هر طرف چنان بود که شایسته است زوّار حریم آن حضرت جای را به دیگران دهند و در آنجا بود که درک کردم علت بیان آخرین جمله روایت زیارت اربعین چیست که در آن ذکر شده است:

«ثُمَّ انْصَرَفْ: بعد از نماز از حرم بیرون شو»

بعد از زیارت حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام به طرف «خیمه گاه» آن حضرت حرکت کردیم و آن فضای خاطره انگیز و حزن افزا برای بنده بسیار آشنا بود؛ زیرا در آنجا نهاد زیبای خیمه گاهایی است که خیمه گاه حضرت امام حسین علیه السلام و ابوالفضل العباس علیه السلام و حضرت قاسم بن الحسن علیه السلام به همت مردم ولایتمدار بوشهر و به مدیریت ستاد بازسازی عتبات عالیات بوشهر ساخته شده و در آن مکان نصب گردیده است.

مسئول آن مکان متبرک که آشنایی قبلی به بنده داشت و از مجاهدان عراقی ضد رژیم صدام بود و بسیار انسان شریف و انقلابی به نام «حاج فاضل» است به محض شنیدن حضور بنده در آن مکان به استقبال آمد و در دفتر

ایشان جلسه‌ای برای توسعه همکاری‌های «بوشهر» و «کربلا» برگزار کردیم سپس بعد از اقامه نماز جماعت و صرف ناهار به بازدید خیمه گاه پرداختیم و برای اصلاح و توسعه آن با آن مسئول محترم به گفتگو پرداختیم. شایان ذکر است که مساعدت و شراکت در بازسازی عتبات و مراکز تاریخی جهان تشیع پاداشی بسیار دارد و آثار فرهنگی و سیاسی فراوانی به جای می‌گذارد.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ که درباره ثواب ساخت و بازسازی قبور اهل بیت علیهم‌السلام با امیر مؤمنان امام علی بن ابی طالب چنین بیان داشته است:

« إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُلُوبَ نُجَبَاءٍ مِنْ خَلْقِهِ وَ صَفْوَةٍ مِنْ عِبَادِهِ تَحِنُّ إِلَيْكُمْ وَ تَحْمِلُ الْمَذَلَّةَ وَ الْأَذَى فَيَعْمُرُونَ قُبُورَكُمْ وَ يُكثِرُونَ زِيَارَتَهَا تَقَرُّبًا إِلَى اللَّهِ وَ مَوَدَّةً مِنْهُمْ لِرَسُولِهِ أُولَئِكَ يَا عَلِيُّ الْمَخْصُوصُونَ بِشَفَاعَتِي الْوَارِدُونَ حَوْضِي وَ هُمْ زُورِي عِدَا فِي الْجَنَّةِ. يَا عَلِيُّ مَنْ عَمَّرَ قُبُورَكُمْ وَ تَعَاهَدَهَا فَكَأَنَّهَا أَعَانَ سُلَيْمَانَ بْنَ دَاوُدَ عَلَى بِنَاءِ بَيْتِ الْمَقْدَسِ<sup>۱</sup>»

«همانا خداوند قلبهای خوبان عالم و برگزیدگانی از میان بندگانش چنان کرده است که اشتیاق به شما دارند. آنان در این راه سختی و مشکلات بسیاری را تحمل می‌کنند؛ آنان قبور شما را برای تقرب خدا و مودت به پیامبرش می‌سازند و آباد می‌کنند. بی تردید آنان به شکل خاص مورد شفاعت من قرار می‌گیرند و داخل بهشت و در کنار حوض کوثر بوده و فردا در بهشت زوار من خواهند بود. ای علی، هر که قبور شما را بسازد و تعمیر کند و آبادانی و رونق بخشد گویا با حضرت سلیمان بن داوود در ساخت بیت المقدس کمک کرده است.»

هندسه خیمه گاه امام خوبیه‌ها و یارانش بسیار حساب شده و کاشف از نگاه یاران به آن امام آسمانی است. خیمه‌گاه آن حضرت در وسط فضای آن خیمه‌ها و پشت آن خیمه‌گاه حضرت زینب علیها‌السلام و اطراف آن دیگر خیمه‌گاه‌های یاران وی است که چون نگینی آن را در میان گرفته و در صدر آن در مقابل دشمنان خیمه‌گاه حضرت «باب الحوائج» علیه‌السلام است.

شام اربعین

۱. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۲۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۸۴.

چهره‌های سراسر غم گرفته عزاداران و چشم‌های در اشک نشسته زائران و صدا‌های در گلو خفته سوگواران در اطراف حرم حضرت «سیدالشهدا» علیه السلام نشان از پایان روزی سراسر غم داشت. آسمان نیز شروع به باران گریه کرد و آرام آرام بر آن مصیبت می‌گریست و با اشک‌های عزاداران توأم می‌شد.

جمعیت عزادار زیر باران دل از حرم آن حضرت بر نمی‌داشتند و حرم و اطراف آن را ترک نمی‌کردند.

شاید می‌خواستند نشان دهند که در آخرین ساعات نیز حاضر به جدایی و ترک حریم حضرت ثارالله علیه السلام نیستند و دل‌کندن از حضرت محبوب علیه السلام برایشان سخت گران بوده و باورش‌شان نمی‌آمد که حماسه اربعین پایان یافته است.

بر بامی مشرف به حرم حضرت «سیدالوفاء» ابوالفضل العباس علیه السلام و حرم حضرت «سید الأوصیاء» ابا عبدالله الحسین علیه السلام در خدمت سیهای جمهوری اسلامی ایران بودم و در آن فضای بسیار زیبا و معنوی پیرامون «حَبِّ الحسین» و «اربعین» سخنانی عرض شد.

پس از پایان برنامه به سمت حرم حضرت «عبدصالح» علیه السلام حرکت کردم و بعد از قرائت اذن دخول و بارش اشکی بر مظلومیت تاریخی آن حضرت، وارد صحن منور آن ماه منیر شدم و اول با دل و نگاه سپس با زبان و بیان به قرائت زیارت‌نامه پرداختم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلَا مِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ علیهم السلام»

أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَلَمْ تَنْكُلْ وَأَنَّكَ مَصَّيْتَ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ<sup>۱</sup>

«درود خدا بر تو ای بنده شایسته خداوند، همان که مطیع خداوند و پیامبرش و امیرمؤمنان و امام حسن و حسین علیهم السلام بود. شهادت می‌دهم که همانا هیچگاه در راه خدا و حمایت از امامت سستی و تزلزل به خود راه ندادی و زندگی‌ات را با بصیرت به پایان رساندی»

آن حضرت نهاد: «معرفت و ایمان، تقوا و اخلاق، ولایتمداری و ایثار، وفاداری و مجاهدت، پیشگامی و بصیرت، صبر و استقامت، جان‌نثاری و شهادت» است.

روز اربعین، اربعین «عباس» علیه السلام نیز هست. او پرچمدار عشق به حسین علیه السلام است.

۱. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۷۸.

مکتب «عباس بن علی» علیه السلام یک مدرسه جهانی و تاریخی برای آموختن تمامی فضائل انسان تراز دیانت و انسانیت است. و آن حضرت الگو و اسوه برای تمامی کسانی که می خواهند «حسینی» شوند می باشد.

حضرت «باب الحوائج» سلام الله علیه چنان به درجه والایی رسیده بود که حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام

این چنین به وی مهربانانه سخن گفت:

«بِنَفْسِي أَنْتَ» و «جَزَيْتَ عَن أَخِيكَ خَيْرًا حَيْثُ نَصَرْتَنِي حَيًّا وَ مَيِّتًا»<sup>۱</sup>

«جانم فدای تو» و «خداوند از جانب برادرت به تو خیر دهد که مرا در همه حال چه آنگاه که زنده بود و چه الآن که در شرف شهادت می باشی یاری رساندی»

روزم را با امام «خوبیها» علیه السلام شروع کردم و شبم را با اسوه «نیکی ها» علیه السلام به پایان رساندم

«خوشا روزی که با یاد تو باشد خوشا شامی که کام دل برآید»

اگر از طوبی و فردوس پرسند بگویم آن همین امروز باشد.»

تا پاسی از شب در بقعه نورانی آن حضرت توفیق حضور داشتم و با قرائت وداع نامه از محضرش و آستان آسمانی اش بازگشتم به امید این که خداوند بار دیگر زیارت آن یگانه دوران نصیب نمایم.

«با شکسته دلی می روم که باز آیم هر چند دلم بهانه دارد در محضرت مانم»

قلبی که جا ماند

سرانجام وقت وداع رسید. چه لحظه سخت و چه حال پریشانی است. زائران قلبشان را می گذارند و بیدل باز می گردند.

«کاروان گو به سلامت سفر آغاز که من مانده در شهر گرفتار دل مسکینم»

خداوند همواره به قلب انسان نگاه می کند<sup>۲</sup> و قلبی که در آن «حبّ الحسین» می باشد قلبی خدایی است و قیمتی گران دارد و «حبّ الحسین» طریق «حبّ الله» است.

«این محبت از محبت ها سواست حبّ محبوب خدا حبّ خداست»

۱. معالی السبطين، ص ۴۱۲.

۲. اشاره به حدیث نبوی صلی الله علیه و آله دارد: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَلَا إِلَى أَمْوَالِكُمْ وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ» ر.ك:

أمالی شیخ طوسی، ص ۵۳۶.

قلبی که در آن «حضرت ثارالله» ولایت دارد قلبی است که بر وجود صاحبش حسین امامت می‌کند؛ چرا که قلب جایگاه امام وجود انسان است.

امام صادق علیه السلام :

«إِنَّ مَنزِلَةَ الْقَلْبِ مِنَ الْجَسَدِ بِمَنزِلَةِ الْإِمَامِ مِنَ النَّاسِ»<sup>۱</sup>

«همانا منزلت قلب نسبت به پیکر انسان همانند امام نسبت به مردم است.»

دل شکسته ام گرفتار مهر امام مهربانی‌هاست و این هدیه‌ای است به او که به یادش باشم تا به یادم ماند و نگاهم دارد تا به راهش مانم؛

«دل گرفت و اگر پس نمی‌دهد ندهد      میانه من و معشوق من جدایی نیست»

به راحتی می‌توان گفت: هر کس توفیق دیدارش می‌یابد گرفتار مهر و ماه وجودش می‌شود؛

«گفتم ای دل مرو آنجا که گرفتار شوی      عاقبت رفت و همان گفته من پیش آمد»

اشکهای وداع به خلاف وصال اشکهای فراق و آغاز دلتنگی است. هر اشک ورقی از دفتر غم‌نامه قلب است.

امام علی علیه السلام :

«الْقَلْبُ مُصْحَفُ الْبَصْرِ»<sup>۲</sup>

«قلب کتاب چشم است.»

و گویا اوراقش نیز تمامی ندارد.

«باران قطره قطره همی بارم ابروار      هر روز خیره خیره از این چشم سیل بار

زان قطره قطره، قطره باران شود خجل      زان خیره خیره، خیره دل من زهجر یار»

از هم اینک غم فراق وجودم فرا گرفته و ترس اندوه هجران و تجربه تلخ آن ذهنم را نگران کرده است.

«ریزم زمزه کوب بی ماه رخت شبها      تاریک شبی دارم با این همه کوبها»

همه زائران کوی حضرت محبوب علیه السلام شیدایی افزون یافته‌اند و عزمشان برای سفری دیگر جزم است و مجنون

«حبّ الحسین» برای وصالی دیگر می‌باشند.

۱. علل الشرایع، ص ۱۰۹؛ میزان الحکمة، ج ۵، ص ۸۴۸.

۲. شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۴۶؛



«کوی لیلی بس خطرناک است ز آنجا تا به حشر همچو مجنون بازگردد هر که عاقل می‌رود»

و نجوای هر یک از دلباختگان حضرت محبوب علیه السلام چنین است

«هرگز فراموش نمی‌کنم تا فراموشم نکنی»

«هرگز از یاد نبردم من مدهوش ترا تو نه آنی که توان کرد فراموش ترا»

اگر دلم با خود باز می‌گردانم بی گمان می‌دانم که همواره روی به سوی او دارد. دیگر دلم امانتی است حسینی که باید خوب خدایی حفظش کنم.

«دارم دلی گردان که من قبله نما می‌خوانمش روی سوی ابرویش کند هر چند می‌گردانمش»

می‌دانم او دلهای ویرانه محبتش را دوست دارد و آوار خانه دل با نام، یاد و راه حسین آباد می‌شود.

«دلم را از غمت کردم زهر ویرانه ویران‌تر چو دیدم دوست می‌دارد دلت دلهای ویران را»

بارها خواندم:

« اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنِّيْ لِزِيَارَتِكُمْ، السَّلَامُ عَلٰى الْحُسَيْنِ وَ عَلٰى عَلِيٍّ بِنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلٰى اَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلٰى

اَصْحَابِ الْحُسَيْنِ »

«بار خدا! این را آخرین زیارت حضرت ثارالله و شهدای والای همراه وی برایم قرار مده. بدرود یا حسین، یا علی اکبر، یا فرزندان

و یاران حسین علیه السلام»

آری، بازار دلهای عاشق و پریشان حضرت محبوب علیه السلام همواره رونق الهی دارد. دیگر هر شب به یاد تو چشم بر هم می‌گذارم و با یاد تو در سپیده دمان دکان دلباختگی‌ات را باز می‌کنم.

« هر شب به سر زلفش گویم دلم آنجاست گفتا همه شب اینجا جمعند پریشانها»

و این پایان سفری به طعم محبت و به رنگ حسین علیه السلام بود ولی آغاز دیگری برای حسینی ماندن با احیای ایمن، تقوا و اخلاق حسینی در خود و جامعه می‌باشد.

«هر کسی در پی لیلی است بداند همه عمر بی گمان در ره او جان فشان باید بود»

به خطا ره نرود تا نشود دور زوی ورنه از کوی محبت گذران خواهد بود.»

خداحافظ کربلا ولی هر لحظه سلام بر حسین علیه السلام .

«می‌رود از فراق تو خون دل ز دو دیده‌ام دجله به دجله، یم به یم، چشمه به چشمه، جوبه جو»

«السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِهِ، عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامٌ اللَّهُ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ.»

به خلاف «سلام» بیان «وداع» سخت و دلگیر و شکسته و در گلو محبوس می‌باشد.

«توان بود به سهولت وداع جان کردن      ولی وداع تو آسان نمی‌توان کردن»